

## تحلیل معنایی فعل «گفتن» در چارچوب نظریه معناشناسی

قالبی: یک بررسی پیکره‌بنیاد

لیلا رحمتی‌نژاد<sup>۱</sup>، سید مصطفی عاصی<sup>۲\*</sup>، علیرضا قلی فامیان<sup>۳</sup>، مسعود قیومی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران.
۲. استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
۳. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه پیامنور، تهران، ایران.
۴. استادیار زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

دریافت: ۹۷/۹/۱۵  
پذیرش: ۹۸/۲/۱۰

### چکیده

یکی از دستاوردهای مهم زبان‌شناسی شناختی، «نظریه معناشناسی قالبی» فیلمور (۱۹۸۲) است. این نظریه بیانگر اصلی مهم در معناشناسی شناختی است که بیان می‌کند معانی واژه‌ها درون نظامی از دانش درک می‌شوند که در تجربه اجتماعی و فرهنگی انسان ریشه دارد. درواقع، فیلمور در این نظریه درک معنای واژه‌ها را از طریق قالب‌هایی که هر واژه فرا می‌خواند، میسر می‌داند و «قالب‌های معنایی» را نمایانگر بخش‌های یک رویداد می‌داند که برای اتصال گروهی از کلمات به مجموعه‌ای از معانی بهکار می‌روند. از طرفی، افعال به عنوان مهمترین ارکان زبان در بیشتر حالت‌ها و اعمال یک رویداد حضور دارند و در تفسیر معنا نقش بسزایی ایفا می‌کنند. هدف پژوهش حاضر، ارائه تحلیل پیکره بنیاد و توصیفی برای شناسایی حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی و ترسیم قالب اصلی آن در چارچوب نظریه معناشناسی قالبی و طرح تحقیقاتی فرهنگ‌نگاری «فریمنت» است. برای نیل به این هدف، با بهره‌گیری از فرهنگ‌ها، پیکره‌های معاصر فارسی و سامانه فریمنت ۴۴ حوزه و قالب معنایی از فعل «گفتن» در زبان فارسی شناسایی شد. سپس، مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» به عنوان معنای اصلی و سرنمون این فعل تعیین و «انگاره شعاعی» آن برای خستین‌بار ترسیم گردید. در نهایت، قالب اصلی این فعل با استفاده از اصول و مفاهیم مطرح در نظریه قالبی فیلمور ایجاد شد.

واژه‌های کلیدی: نظریه معناشناسی قالبی، قالب معنایی، فریمنت، چندمعنایی، مقوله شعاعی.

## ۱. مقدمه

«زبان‌شناسی شناختی» یکی از سه نگرش عمده زبان‌شناسی معاصر است که به مطالعه زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه‌های مفهوم‌سازی می‌پردازد. بیشتر مطالعات این رویکرد مربوط به «معناشناسی شناختی» است که درک معنای واژه‌ها را به صورت دایره‌المعارفی<sup>۱</sup> ممکن می‌داند. به عبارت دیگر، معنای واژه‌ها را نمی‌توان بدون اطلاع از داشش دایره‌المعارفی مرتبط با آن‌ها درک کرد. درواقع، این معنای درون نظامی از داشش درک می‌شوند که در تجربه اجتماعی و فرهنگی انسان ریشه دارد و «نظام مفهومی» نامیده می‌شود. بر این اساس، «نظریه معناشناسی قالبی»<sup>۲</sup> فیلمور<sup>۳</sup> (1982) یکی از نظریه‌های مهم شناختی است که در کنار «نظریه قلمروها»<sup>۴</sup> لانگاکر<sup>۵</sup> (1987) اهمیت «معنای دایره‌المعارفی» را در مقابل «معنای لغتنامه‌ای یا قاموسی»<sup>۶</sup> نشان می‌دهد. این نظریه به‌طور خاص، به راه و روشه توجه دارد که در آن، زبان را می‌توان برای نمایش مفهوم‌سازی زیربنایی جهان خارج به‌کار برد (Geerearts, 2010: 225). فیلمور در این رویکرد واژگانی اصطلاح «قالب معنایی»<sup>۷</sup> را به مثابه شیوه‌ای برای تحلیل معنایی زبان طبیعی به‌کار می‌برد. بنابراین، یک «قالب» که در واحدهای واژگانی بازنمود پیدا می‌کند، توصیفی از یک رویداد، رابطه و شرکت‌کنندگان آن رویداد است. تفاوت این نظریه با دیگر نظریه‌های «معناشناسی واژگانی»<sup>۸</sup>، در تأکید آن بر داشش پس‌زمینه است که بر اساس آن معنای کلمات تعبیر می‌شوند. در حقیقت، فیلمور در سال ۱۹۷۶ با گسترش «دستور حالت»<sup>۹</sup> خود به این نظریه جدید دست یافت و در سال ۱۹۹۷ آن را با روش‌های پیکره‌ای درآمیخت و به صورت پروژه «فریمنت» (شبکه معنایی قالبی)<sup>۱۰</sup> ارائه کرد. این پروژه امروز در خدمت فرهنگ‌نگاری و پردازش زبان طبیعی<sup>۱۱</sup> است. از طرفی، در بحث بررسی معنای واژه، افعال به عنوان یکی از ارکان اصلی زبان نقش مهمی در تفسیر معنا ایفا می‌کنند و بیانگر حالات و اعمال یک رویداد هستند. این مقولات با معانی مختلف در بافت‌های زبانی آشکار می‌شوند و در بیان «پدیده چندمعنایی»<sup>۱۲</sup> کارایی فراوان دارند؛ از این رو، بررسی و کشف روابط معنایی آن‌ها در قالب نظریات جدید و شبکه‌هایی، چون «فریمنت» سودمند به نظر می‌رسد. با این مقدمه، پژوهش حاضر سعی دارد در چارچوب نظریه قالبی فیلمور به تحلیل معنایی فعل «گفتن» به عنوان یکی از افعال پرکاربرد<sup>۱۳</sup> زبان فارسی پردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی بر مبنای نظریه معناشناسی  
قالبی فیلمور و سامانهٔ فریمنت کدامند؟

- چگونه می‌توان قالب اصلی فعل «گفتن» را ترسیم کرد؟

بر این اساس، فرض اصلی تحقیق آن است که می‌توان طبق نظریهٔ شناختی فیلمور و  
سامانهٔ فریمنت حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» را در زبان فارسی تعیین و قالب اصلی  
آن را ترسیم کرد.

## ۲. پیشینهٔ تحقیق

مطالعهٔ مفهوم واژگانی کلمات در ذهن انسان و بررسی چندمعنایی آن‌ها از جمله موضوعاتی  
است که از گذشته تاکنون زبان‌شناسان و به خصوص معناشناسان زبان به آن توجه داشتند و  
نظريات مختلفی دربارهٔ آن ارائه شده است. به‌طور مثال، بازنمایی معنایی کلمات با  
«مشخصه‌های تمایزدهنده» و «مؤلفه‌های معنایی اولیه»، از جمله نظريات قدیمی است که در  
نشان دادن غنای معنایی کلمات کارآمدی لازم را نداشته است (Lieber, 2004). یکی دیگر از این  
مطالعات ناکارآمد، بازنمایی کلمات را مشتمل بر چهار «ساختار موضوعی»، «ساختار  
رویداد»<sup>۱۴</sup>، «ساختار توارث»<sup>۱۵</sup> و «ساختار کیفی»<sup>۱۶</sup> می‌داند (Pustejovsky, 1995: 61). «پدیدۀ  
چندمعنایی» نیز مفهوم تازه‌ای در زبان‌شناسی به‌شمار نمی‌رود و صورت‌گرایان از مدت‌ها  
پیش، به این موضوع پرداخته‌اند. آنان چندمعنایی را ویژگی بنیادی واژه‌ها قلمداد نمی‌کردند؛  
بلکه پدیده‌ای زبانی و در روساخت در نظر می‌گرفتند (Evan & Green, 2006: 239)؛ اما  
پژوهشگران شناختی‌ای چون پالمر<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۶)، لیکاف و جانسون<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۰)، فیلمور (۱۹۸۲)،  
فوکونیه<sup>۱۹</sup> (۱۹۸۵)، لانگاکر (۱۹۸۷)، تیلور<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۵-۲۰۰۳) و بلنک<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۳) دیدگاه دیگری  
دارند. رضوی با استناد به دلایل زیر بیان می‌کند که رویکرد شناختی این محققان در مقایسه  
با رویکرد ساختگر، توصیف جامع‌تری از داده‌ها به دست می‌دهد:

معناشناسی شناختی، معنای واژه‌ها را در دو سطح مؤلفه‌ها یا عناصر کوچکتر از معنای واژه‌ها  
و روابط معنایی میان واژه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. در حالی که در رویکرد ساختگرا  
کانون اصلی توجه، عمدتاً روابط جانشینی بوده است و این رویکرد به صورت محدودی به  
روابط همنشینی می‌پردازد. در این حالت سازوکاری برای نمایش واژه‌هایی که در متن و در  
سطح کلامی مربوط هستند، وجود ندارد. رویکرد شناختی با طرح «قالب‌های معنایی» این کاستی



را رفع می‌کند. دوم آنکه، رویکرد شناختی در توصیف شواهد مربوط به روابط متداعی منحصر به فرد توانست (برای مثال رابطه میان گردن و زرافه). توانایی‌های شناختی انسان که وی را قادر می‌سازند به منظور تحلیل دقیق‌تر بر برخی ابعاد معنایی متمرکز شود (توجه) و نیز تعدادی از ویژگی‌های ذاتی پدیده‌ها که سبب «برجستگی» آن‌ها می‌شوند، می‌توانند توصیفات مناسبی برای این مورد فراهم کنند. سومین پیامد نظری در خصوص روابط معنایی سلسله-مراتبی است. در این مورد نقطه قوت ساختگرایی این است که برای چنین روابطی چارچوب‌های مستحکمی در نظر می‌گیرد. کاستی رویکرد مذکور در این خصوص نیز انعطاف‌پذیری چارچوب‌هاست. در رابطه با روابط سلسله-مراتبی نیز رویکرد شناختی، با مطرح نمودن مقولات به عنوان مجموعه‌هایی مشکل از اعضای مرکزی و حاشیه‌ای که مرزهایی گنج دارند، توجیه موجه‌تری ارائه می‌کند (۱۳۹۲: ۴۹-۵۱).

اکنون با در نظر گرفتن این دلایل، باید دید رویکرد شناختی دقیقاً چه راهکاری برای مطالعه معنی واژه و پدیده چندمعنایی ارائه می‌دهد؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در «نظریه معناشناسی قالبی» فیلمور (۱۹۷۵، ۱۹۸۲، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵) جست‌وجو کرد. این نظریه درک معنای واژه‌ها را از طریق قالب‌هایی که هر واژه فرا می‌خواند، میسر می‌داند. تفاوت آن با دیگر نظریه‌های «معناشناسی واژگانی» نیز در تأکیدش بر دانش پس‌زمینه است که بر اساس آن (Fillmore & Atkins, 1992, 1994, 2000; Fillmore & Baker, 2010) در تعریف «قالب معنایی» آن را طرح‌واره‌ای شدن تجربه (همان فیلمور ۱۹۷۵) در تعییر «قالب معنایی» آن را طرح‌واره‌ای شدن تجربه (همان ساختار دانش) معرفی می‌کند که در سطح مفهومی بازنمایی و در حافظه بلندمدت نگهداری می‌شود. به این ترتیب، یک قالب، عناصر فرهنگی و اجتماعی موجود در تجربه انسان را بهم مرتبط می‌سازد (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۷۴؛ اما نکته مهم درباره این نظریه، جایگاه آن در تدوین فرهنگ‌ها و پایگاه‌های دادگانی است. در این راستا، طرح تحقیقاتی فرهنگ‌نگاری رایانه‌ای (فریمنت) از مدون‌ترین پژوهه‌هایی است که از این نظریه الهام گرفته و علاوه بر زبان انگلیسی (BFN) در زبان‌های دیگر هم کارآمد بوده است. بطور مثال، تاکنون فریمنت آلمانی (GFN)<sup>۳۳</sup> از سوی بوآر (۲۰۰۲) در دانشگاه تگزاس، فریمنت اسپانیایی (SFN)<sup>۳۴</sup> از سوی سویبراتس و پتروک (۲۰۰۳) در دانشگاه بارسلونا، فریمنت زبان سوئدی (SweFN ++)<sup>۳۵</sup> از سوی بورین و همکاران (۲۰۱۰) در دانشگاه گوتبرگ، فریمنت زبان ژاپنی (JFN)<sup>۳۶</sup> از سوی اوهارا و همکاران (۲۰۰۴) و فریمنت زبان چینی (CFN)<sup>۳۷</sup> از سوی یو و همکاران (۲۰۰۷) ایجاد و

معرفی شده‌اند. فریمنت برزیلی<sup>۳۳</sup> و فریمنت کره‌ای<sup>۳۴</sup> نیز دو شبکه جدیدی هستند که اخیراً به این فهرست اضافه شده‌اند. به علاوه، کار روی فریمنت دوزبانه نیز با ایجاد دو بخش «استان‌شناسی دوزبانه» و «نمونه جملات دوزبانه» انجام شده است.

در حیطه زبان فارسی نیز زبان‌شناسانی چون صفوی (۱۲۹۰)، آقا گل‌زاده (۱۲۸۲)، فیاضی (۱۲۸۸)، راسخ مهند (۱۳۹۴)، افراشی (۱۳۹۵) و غیره به مطالعه معنای واژه و پدیده چندمعنایی بهخصوص در چارچوب نگرش شناختی پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر نیز تحقیقاتی به طور خاص در راستای نظریه معناشناسی قالبی فیلمور و سامانه فریمنت انجام شده است. از این دست مطالعات می‌توان به قیومی (۲۰۰۹) اشاره کرد که اولین تحقیق ایرانی در این حوزه است. البته، قیومی در مطالعه کاربردی خود از داده‌های زبان انگلیسی استفاده کرده است. پژوهش دیگر، مربوط به خاوری (۱۳۹۲) است که به توصیف و طبقه‌بندی افعال بسیط و مرکب پرکاربرد فارسی (۱۰۰ نمونه) بر اساس رویکرد پروژه فریمنت پرداخته است. در تحقیقی دیگر، نایب لوئی (۱۳۹۳) و نایب لوئی و همکاران (۱۳۹۴) با طراحی «شبکه قالب بنیاد (فریمنت) برای صفات فارسی در حوزه عواطف (شادی و علاقه)» اولین گام را در راستای ایجاد سامانه فریمنت در زبان فارسی برداشته‌اند. گندم‌کار (۱۳۹۳) نیز با دیدگاهی متفاوت معتقد است نمی‌توان رخدادهای جهان خارج را در قالب‌های مشخص و قطعی جای داد و از زبان برای بازنمایی این قالب‌های مشخص که از «تعريف» و «عناصر» از پیش تعیین‌شده‌ای تشکیل شده‌اند، استفاده کرد. نمونه بعدی، مطالعه‌ای است که «حذف فعل» را در چارچوب نظریه فوق بررسی می‌کند و از طریق مقایسه این فرایند با تحلیل‌های دستور سنتی بهویژه دستور زبان فارسی به تبیین دقیق‌تر آن پرداخته است (مادرشاهیان، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، صفری (۱۳۹۴) به موضوع معناشناسی قالبی و تناوب فعل‌های مرکب در زبان فارسی پرداخته و رفتار متفاوت این افعال را در بافت‌های گوناگون بررسی کرده است. همچنین، در مقاله «گامی به سوی تدوین واژه‌نامه تقابلی ظرفیت افعال فارسی- انگلیسی» متولیان نائینی (۱۳۹۵) درک بهتر یک پاره‌گفتار زبانی منسجم را بر مبنای نظریه فیلمور، با تداعی یک قالب خاص برای هر عبارت زبانی و در نظر گرفتن ارتباط معنایی میان عناصر تشکیل‌دهنده جمله تحلیل کرده است. حاجی قاسمی و شاملی (۱۳۹۵) هم در جستاری قرآنی به بررسی و تحلیل قالب‌های معنایی فعل «رأى» (دیدن) پرداخته‌اند. اجدادی و رضوی (۱۳۹۵) نیز ۱۴ قالب معنایی اندام واژه‌های بیرونی زبان فارسی



را ارزیابی کرده‌اند. «راهاندازی شبکه همنت: شبکه‌ای برای تبیین با همایی واژگانی» نام پژوهش دیگری است که به تازگی از سوی موسوی (۱۳۹۶) انجام شده است. در نهایت، موسوی و همکاران (۱۳۹۴)، حسابی (۱۳۹۵)، دلارامی و همکاران (۱۳۹۶) و صفری و رحمتی‌بزاد (۱۳۹۶) به مطالعه واژه‌های «دیدن»، «خوردن»، «گرفتن» و «گردشگری و سفر» از منظر معناشناسی قالبی پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، از آنجا که موضوع مورد بحث ما، فعل «گفتن» در زبان فارسی است لازم است به تحقیق شاهحسینی (۱۳۹۰) نیز اشاره کنیم. در این مقاله شاهحسینی با بهره‌گیری از «نظریه پیش‌نمونگی»<sup>۲۴</sup> به عنوان ابزاری تحلیلی به بررسی ساخت گذرای<sup>۲۵</sup> فعل «گفتن» در زبان فارسی پرداخته و افعال زیرشمول آن را بر حسب گذرایی و نزدیکی یا دوری‌شان به معنای سرنمون فعل، به گروه‌های تقسیم کرده است. در پایان، بررسی پیشینه ذکر شده، بیانگر اهمیت مطالعه معنی واژه در زبان‌های مختلف و در چارچوب رویکردهای نوین زبان‌شناسی همچون نگرش شناختی است. از این رو، مقاله حاضر در تلاش است با بررسی یکی از پرکاربردترین افعال فارسی در چارچوب نظریه معناشناسی قالبی فیلمور و سامانه فرمینت، ضمن کمک به ایجاد این شبکه در زبان فارسی، گامی کوچک در راستای ارتقای داده‌های آن بردارد. همچنین، در این پژوهش سعی شده است برای اولین بار با تعیین برخی معیارها از سوی نگارندگان انگاره شعاعی فعل «گفتن» در زبان فارسی ترسیم شود.

### ۳. چارچوب نظری: نظریه معناشناسی قالبی

«زبان‌شناسی شناختی» نظریه‌ای واحد و منسجم نیست و از ویژگی‌های منحصر به‌فرد آن، رویکردهای گوناگونش به معناشناسی است. یکی از این رویکردها که از مفروضات بنیادین در «معناشناسی شناختی» به شمار می‌رود، برای معنا ماهیتی دایره‌المعارفی به‌جای قاموسی قائل است. این رویکرد شامل دو بخش است؛ بخش اول به ساختار معنایی که با واحدهای زبانی همراه است مربوط می‌شود. ساختار معنایی امکان دست‌یابی به فهرست بلند بالایی از دانش ساختاری را به ما می‌دهد که همان «نظام مفهومی»<sup>۲۶</sup> است؛ بخش دوم، بر این نکته تأکید دارد که دانش دایره‌المعارفی از تعامل انسان با دیگران، یعنی تجربه اجتماعی و جهان اطراف (تجربه فیزیکی) شکل می‌گیرد (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۶۴ - ۷۴). بر این اساس، «نظریه معناشناسی

قالبی» فیلمور (1982) بهمراه «نظریه قلمروها» لانگاکر (1987) از دستاوردهای مهم «معناشناسی شناختی» هستند که بر دیدگاه دایره‌المعارفی تأثیر بسزایی داشته‌اند. تاریخچه نظریه معناشناسی قالبی که موضوع مورد بحث این مقاله است، به «دستور حالت» فیلمور (1968) بر می‌گردد که در آن صحبت از «نقش‌های معنایی»<sup>۳۷</sup> بود؛ اما در معناشناسی قالبی، «نقش‌های موقعیتی»<sup>۳۸</sup> مدنظر است. در حقیقت، فیلمور (1982: 383) معتقد است که رویکردهای مشخصه‌بنیاد که از مؤلفه‌های اولیه استفاده می‌کنند، نمی‌توانند به خوبی غنای معنایی واژه‌ها را نشان دهند. به علاوه، معنای کلمات شامل اطلاعات بسیار وسیعی در مورد جهان اطراف است که هرگز نمی‌توان آن را در قالب تعداد محدودی از مؤلفه‌های اولیه نشان داد. بر این اساس او مدعی است مدخل‌های واژگانی در ذهن انسان سبب برانگیختن «قالب‌های معنایی» می‌شوند که خود شامل دو بخش است؛ بخش اول، معنای تصریح شده از سوی مدخل واژگانی است و بخش دوم، معنایی است که در پس‌زمینه معنایی کلمه وجود دارد و به صورت پیش‌انگاره، جزء معنای واژه محسوب می‌شود. در این رویکرد «قالب معنایی» عنوانی کلی است که به جای اصطلاحاتی، چون «طرح یا الگو»<sup>۳۹</sup>، «طرح‌واره»<sup>۴۰</sup>، «سناریو»<sup>۴۱</sup>، «چارچوب اندیشه‌ای»<sup>۴۲</sup>، «الگوی شناختی»<sup>۴۳</sup> یا «نظریه عامیانه»<sup>۴۴</sup>، در نظریه قالبی به کار رفته است (37: Fillmore, 2006). روپنهوف<sup>۴۵</sup> و همکاران (7: 2016) نیز قالب را یک «سازه مفهومی»<sup>۴۶</sup> شبیه به طرح‌واره می‌دانند که یک موقعیت شبیه یا رویداد را بهمراه مشارکانش توصیف می‌کند. در پایان، باید گفت پذیرش الگوی قالبی فیلمور در دیدگاه دایره‌المعارفی پیامدهایی را به دنبال دارد که به اختصار عبارت‌اند از (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۷۵ - ۷۷):

۱. واژه‌ها و مقوله‌ها به قالب‌ها وابسته‌اند: معنای واژه‌ها تنها با در نظر گرفتن قالب‌ها درک می‌شود.

۲. قالب‌ها زاویه دید خاصی ایجاد می‌کنند: قالب‌ها دیدگاه خاصی برای درک واژه فراهم می‌کنند.

۳. قالب‌بندی جایگزین برای موقعیتی واحد: انتخاب واژگانی، قالب‌بندی متفاوتی از یک موقعیت را ممکن می‌سازد.

از سوی دیگر، نکته مهم، جایگاه نظریه معناشناسی قالبی در تدوین فرهنگ‌ها و پایگاه‌های دادگانی است. در این راستا، می‌توان به سخنرانی فیلمور در ششمین کنفرانس بین‌المللی انجمن



فرهنگنگاری اروپا (1994) با عنوان «فرهنگنگاری و بررسی‌های مردم شناختی معنا» اشاره کرد. در این سخنرانی آمده است (به نقل از عاصی، ۱۳۷۵: ۳۸۳):

ارائه دقیق معانی و مفاهیم تنها با در نظر گرفتن بافت‌های اجتماعی، زبانی و دیگر محیط‌ها امکان‌پذیر است و این کار باید در چارچوب‌های زمینه‌ای، اطلاعی، درونی و بیرونی انجام یابد. به سخن دیگر، برای آنکه بتوانیم مفاهیم و اطلاعات فرهنگی و اجتماعی خاصی را از راه تعاریف و ارزش‌نامه‌ای به کاربران انتقال دهیم، باید بدانیم که این واژه‌نامه یا فرهنگ برای چه کسانی یا چه گروهی از مردم و با چه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و مانند این‌ها تدوین می‌گردد. هرگونه جهتگیری و یا بی‌توجهی به زمینه‌های فکری کاربران می‌تواند مشکلات بزرگی را به وجود آورد. نکته دیگر، لزوم فراهم آوردن چارچوب‌هایی برای پردازش رایانه‌ای داده‌ها، به‌ویژه توجه به حوزه پردازش زبان طبیعی بود.

نتیجه این نوع نگاه شناختی فیلمور، سبب ثبت نظریه معناشناسی قالبی در حوزه فرهنگنگاری شد و طرح تحقیقاتی فرهنگنگاری رایانه‌ای «فریمنت» در مؤسسه بین‌المللی علوم رایانشی دانشگاه برکلی کالیفرنیا با الهام از این نظریه راهاندازی شد. به عقیده گیررس (2010: 229) تدارک این نوع پایگاه داده‌های واژگانی، تحول مهمی در شکل‌بندی معناشناسی شناختی محسوب می‌شود؛ زیرا این نوع نگاه، مطالعه معنا را در پیوند با معناشناسی واژگانی رایانه‌ای قرار می‌دهد. به این پروژه بعد از زبان انگلیسی در زبان‌های دیگر هم توجه شد و طیف گسترده‌ای از تحقیقات زبانی را به خود اختصاص داد. در تحقیق حاضر نیز برای ترسیم قالب معنایی فعل «گفتن» به فریمنت انگلیسی استناد شده است. از این رو، لازم است در ابتدا با ساختار یک «قالب معنایی» در سامانه فریمنت آشنا شویم.

### ۳ - ۱. ساختار یک قالب معنایی در فریمنت

در پایگاه فریمنت هر «قالب معنایی» شامل پنج بخش اطلاعاتی است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۳ - ۱ - ۱. عنوان فریم یا قالب معنایی

قسمت اول یک قالب معنایی در پایگاه فریمنت مربوط به عنوان و نام آن قالب است.

### ۲-۱-۲. «تعریف»<sup>۴۷</sup>

این بخش از قالب معنایی به توصیف کلی معنای قالب و مثال‌های مرتبط با آن می‌پردازد. درواقع، در نظریه قالبی، معنای واژه در ارتباط با قالب پس‌زمینه خودش و بدون ارتباط با واژه‌های دیگر تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، معنای واژه به صورت طرح‌واره‌هایی متکی بر تجربه است که در جهان شکل می‌گیرد و این طرح‌واره‌ها، همان قالب‌ها هستند (Ruppenhofer et al., 2016).

### ۳-۱-۳. «عناصر اصلی و فرعی»<sup>۴۸</sup>

این عناصر نقش‌های معنایی هستند که یک قالب را به وجود می‌آورند. درحقیقت، عناصر یک قالب بر مبنای نقش‌های معنایی، کنش (کنشگر، پذیرنده و ابزار)، حرکت و مکان (کنش‌پذیر، مکان، مبدأ، مقصد و مسیر)، تجربه (تجربه‌گر، محرك و محتوا) و غیره بیان می‌شوند (Fillmore, 1967). این نقش‌ها که واحدی پایه در یک قالب به شمار می‌روند، به دو دسته «اصلی» و «فرعی» قابل تقسیم‌اند و برای درک بهتر به همراه یک مثال به کار می‌روند. «عناصر اصلی» جزئی را معرفی می‌کنند که به لحاظ مفهومی حضورش در قالب ضروری است. در واقع، این دسته از عناصر، قالبی را از قالب دیگر متمایز می‌کنند و دارای معنای اصلی و بنیادین در یک قالب هستند. افزون بر این، دسته‌ای از عناصر اصلی با عنوان «عناصر اصلی بیان‌نشده» وجود دارند که همان‌طور که از نامشان برمی‌آید عینی و صریح نیستند. از سوی دیگر، عناصر قالبی که رویدادی جز رویداد اصلی را بیان نمی‌کنند، «عناصر فرعی» نامیده می‌شوند و مفاهیمی، چون زمان، مکان، حالت، ابزار، میزان و غیره را بیان می‌کنند. این عناصر به تنایی قالبی را ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه در هر قالبی که به لحاظ معنایی مناسب باشد، معرفی می‌شوند.

### ۳-۱-۴. «واحدهای واژگانی»<sup>۴۹</sup>

این واژه‌ها تداعی‌کننده یک قالب خاص در ذهن هستند.

### ۳-۱-۵. «متون نشانه‌گذاری‌شده»<sup>۵۰</sup>

این قسمت از قالب معنایی مربوط به نشانه‌گذاری سازه‌های نحوی یک متن با عناصر قالب است (Ghayoomi, 2009: 14).

در ادامه، جدول ۱ پنج بخش ذکر شده را با توجه به مثالی از سامانهٔ فریمنت نشان می‌دهد.

جدول ۱: قالب ”COMMITMENT“ نمونه‌ای از یک قالب معنایی در فریمنت انگلیسی

Table 1. Semantic frame of “COMMITMENT” in FrameNet

قالب معنایی	
(۱) عنوان قالب	“COMMITMENT”
(۲) تعریف	<p>A Speaker makes a commitment to an Addressee to carry out some future action. This may be an action desirable (as with promise) or not desirable (as with threaten) to the Addressee. Some of the words in this frame allow an Addressee to be expressed.</p> <p>- You PROMISED me you'd come to my graduation.  - Other words cannot normally occur with an Addressee.  - Kim UNDERTOOK to finish the project by June.</p>
(۳) عناصر اصلی	<p><b>Addressee</b> [Add] The Speaker's commitment can be made to an Addressee. With those words which allow this frame element to be expressed, Addressee usually occurs as a PP Complement headed by to or the (Indirect) Object of verbs: Kim made a PROMISE to me. Kim PROMISED me that everything would be okay.</p> <p><b>Semantic Type:</b> Sentient</p> <p><b>Medium</b> [Medium]</p> <p>As with other frames in the Communication domain, the MEDIUM of communication may be expressed. Medium is the physical entity or channel used to transmit the Message. Bob THREATENED the workers in Spanish.</p> <p><b>Message</b> [Msg] An expression of the commitment made by the Speaker expresses the frame element Message. Message is expressed as a finite or non-finite clausal Complement or an NP Object: I SWORE that I would never make the same mistake again. The owner finally CONSENTED to sell the business. They THREATENED revenge.</p> <p><b>Speaker</b> [Spkr] The Speaker is the person who commits him/herself to do something. Speaker is usually the External Argument of predicative uses of the target or the Genitive modifier of a</p> <p><b>Semantic Type:</b> Message</p> <p><b>Speaker</b> [Spkr] The Speaker is the person who commits him/herself to do something. Speaker is usually the External Argument of predicative uses of the target or the Genitive modifier of a</p> <p><b>Semantic Type:</b> Sentient</p>

## قالب معنایی

	<p><b>Topic [Top]</b></p> <p>noun: <b>Jo</b> made a <b>PROMISE</b> to me. <b>Jo</b> PROMISED me she would cook dinner. <b>Jo's</b> <b>PROMISE</b> to cook dinner came to nothing.</p> <p>Topic expressions are not very frequent in this frame. They can occur with noun targets. Jo made endless <b>PROMISES</b> about working harder at school.</p>
و عناصر فرعی	<p><b>Manner</b> <span style="background-color: pink;">[Manner]</span></p> <p><b>Semantic Type:</b> Manner</p> <p>The <b>Manner</b> in which the commitment is made. "I'll help you any way I can", he promised <b>softly</b></p> <p><b>Period_of_iterations [I]</b></p> <p>This FE is used to indicate length of time from when Commitment event began to be repeated to when it stopped.</p> <p><b>Place</b> <span style="background-color: pink;">[pla]</span></p> <p><b>Semantic Type:</b> Locative_relation</p> <p>The location in which the <b>Speaker</b> makes the commitment. The July framework has reaffirmed what was <b>PROMISED</b> at Doha.</p> <p><b>Purpose</b> <span style="background-color: pink;">[pur]</span></p> <p><b>Semantic Type:</b> State_of_affairs</p> <p>An action that the <b>Speaker</b> intends to accomplish by taking on the commitment.</p> <p><b>Time</b> <span style="background-color: orange;">[tim]</span></p> <p><b>Semantic Type:</b> Time</p> <p>The time period during which the <b>Speaker</b> makes the commitment. The chancellor <b>yesterday</b> <b>PROMISED</b> to increase defence spending in real terms next year.</p>
(۴) واحدهای و ازگانی	<i>commit.v, commitment.n, consent.v, covenant.n, covenant.v, oath.n, pledge.n, pledge.v, promise.n, promise.v, swear.v, threat.n, threaten.v, undertake.v, undertaking.n, volunteer.v, vow.n, vow.v</i>
(۵) متون نشانهگذاری شده	[Speaker Democratic audiences] had to <b>consent</b> [Message to this approach]. [Speaker The politicians] made vague <b>promises</b> [Topic about independence]. [Message 'I'll be back, '][Speaker he] <b>threatened</b> .

## ۲-۲. روابط میان قالبی<sup>۵</sup> در فریمنت

یکی از ویژگی‌های سامانه فریمنت، ارتباط قالب‌های معنایی آن با یکدیگر است. در یک رابطه میان‌قالبی، «قالب فرزند»<sup>۶</sup> «قالب والد»<sup>۷</sup> را مفصل‌تر توضیح می‌دهد. در اینجا قالب فرزند نوعی از قالب والد محسوب می‌شود. «وراثت»<sup>۸</sup>، «زیرقالب»<sup>۹</sup>، «سبب»<sup>۱۰</sup>، «بنیاد»<sup>۱۱</sup> و «کاربرد»<sup>۱۲</sup> نمونه‌هایی از روابط میان قالبی هستند. به عبارت دیگر، این بخش مربوط به ارائه اطلاعات سلسله مراتبی قالب‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. این روابط به شکلی است که قالب‌های انتزاعی‌تر و دارای استقلال کمتر، «قالب‌های فوقانی»<sup>۱۳</sup> و قالب‌هایی با انتزاع کمتر و وابستگی بیشتر، «زیرقالب» نامیده می‌شوند. جدول ۲ بیانگر هشت نوع رابطه در بین این قالب‌های است (Ruppenhofer et al., 2016).

جدول ۲: انواع روابط میان «قالب‌های فوچانی» و «زیرقالب‌ها» در فریمنت انگلیسی

Table 2. Different relations between “super-frame” and “sub-frame” in FrameNet

روابط	زیرقالب	قالب فوچانی
وراثت	فرزند	والد
پیش نمونگی	پیش‌نمونه شده	خنثا
زیرقالب	جزئی	بیچیده
قبل	بعد	زودتر
بنیاد	ابتدايی	حال
سبب	سببی‌ساز	ابتدايی / حالت
کاربرد	فرزند	والد
همچنین نگاه کنید به	مدخل ارجاعی	مدخل اصلی

## ۴. روش تحقیق

روش گردآوری داده‌ها در پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر، هم پیکره‌بنیاد و هم به صورت کتابخانه‌ای است. بر این اساس، نگارندگان برای شناسایی حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» و ترسیم قالب اصلی آن از پیکره‌هایی چون «پایگاه داده‌های زبان فارسی»<sup>۱۴</sup> (عاصی، ۱۳۸۴)، پایگاه «فارس‌فت»<sup>۱۵</sup> (Shamsfard et al., 2010) و «سایت مرجع دادگان» (Rasooli et al., 2011) و نیز فرهنگ فشریه سخن (نوری، ۱۳۸۸)، فرهنگ چهارجلدی آریان‌پور (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع واژگان

و مترادف و متضاد زبان فارسی (خاپرسنی، ۱۳۷۶) و **واژه‌نامه علوم شناختی** (خرازی، ۱۳۹۶) بهره برده‌اند. همچنین، برای تعیین دقیق افعال زیرشمول این فعل افزون بر متابع مذکور، به مقاله شاهحسینی (۱۳۹۰) نیز استناد شده است. برای ایجاد قالب اصلی فعل «گفتن» در زبان فارسی نیز فریم‌های معادل آن در فریمنت انگلیسی جست‌وجو و بررسی شده‌اند. در آخر، امکان ترسیم این قالب از طریق تعیین معنای سرنومن فعل «گفتن» و منابعی که ذکر شد ارزیابی شده است.

## ۵. تحلیل و بحث

در این بخش پس از آشنایی با فعل «گفتن» و شناسایی حوزه‌ها و قالب‌های معنایی آن، به تعیین مفهوم سرنومن فعل در زبان فارسی می‌پردازم. سپس، با معرفی افعال زیرشمول این فعل، به ترسیم قالب اصلی آن در چارچوب نظریه شناختی فیلمور و سامانه فریمنت خواهیم پرداخت.

### ۵ - ۱. فعل «گفتن»، حوزه‌ها و قالب‌های معنایی آن در زبان فارسی

افعال به عنوان یکی از ارکان اصلی زبان، بیانگر حالات و اعمال یک رویداد هستند و نقش عمده‌ای در تفسیر معنا ایفا می‌کنند. این مقولات با معانی مختلف در بافت‌های زبانی ظهور می‌یابند. لذا، در بیان پدیده چندمعنایی کلایی فراوان دارند. فعل «گفتن»<sup>۱۲</sup> نیز به عنوان یکی از پرکاربردترین افعال فارسی از این قاعده مستثنی نیست. جدول ۳ نشان‌دهنده بسامد بالای این فعل در فارسی معاصر است.

جدول ۳: بسامد صورت‌های مختلف فعل «گفتن» در زبان فارسی

(برگرفته از پایگاه داده‌های زبان فارسی)

**Table 3.** Frequency of the different forms of verb “Goftan” (to tell) in Persian  
(based on Persian Language Database)

ردیف	فعل	ردیف	بسامد	فعل	ردیف	بسامد	فعل	ردیف	بسامد	فعل	ردیف	بسامد
۱	گفتن	۱۱۲	۱۱	می‌گفت	۱۱	۵۳	گوید	۲۱	۲۶	مگوی	۲۱	۲
۲	گفتم	۶۱۵	۱۲	می‌گفتم	۲	۲۲	گویند	۲۲	۴۱۸	مگو	۲۲	۶
۳	گفتی	۴۵	۱۳	می‌گفتی	۱	۲۳	بگوی	۲۴	۷۹	نگویم	۳۴	۷
۴	گفت	۸۰۲۳	۱۴	می‌گفتد	۲۶	۲۶	بگو	۲۵	۲۰۱	نگویی	۳۵	۱
۵	گفتیم	۰	۱۵	گوی	۴۶	۴۶	بگویم	۲۵	۵۲	نگویی	۲۵	

ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد	ردیف
۶	نگوید	۲۶	۱۸	بگویی	۲۶	۹۸	گو	۱۶	۲۹	گفتید	۶	
۹	نگویم	۳۷	۱۵۹	بگوید	۲۷	۱۰۳	گویم	۱۷	۲۷۷	گفتد	۷	
۵	نگوید	۲۸	۹۳	بگویم	۲۸	۲۱۲	گویی	۱۸	۱۴۱۹	گفته	۸	
۵	نگویند	۳۹	۵۷	بگوید	۲۹	۱۲۱۴	گوید	۱۹	۹	می‌گفتم	۹	
۱۳۵۴۸			کل	۷۷	۲۰	۲۵	کوییم	۲۰	۱	می‌گفتی	۱۰	

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، بررسی صورت‌های گوناگون فعل «گفتن»، ما را با ۱۳۵۴۸ مورد کاربرد این فعل در بین متون «پایگاه داده‌های زبان فارسی» روبرو می‌کند. از طرفی، مطالعه مدخل این فعل در فرهنگ‌ها و پیکره‌های فارسی و نیز تطابق آن با قالب‌های مرتبط در «فریمنت انگلیسی» حاکی از وجود ۴ معنای مختلف «گفتن» در زبان فارسی است (با توجه به منابع این پژوهش):

۱. بر زبان آوردن و بیان کردن: گفت: من موافق نیستم.
۲. اطلاع دادن: پزشکان تمام راههای پیشگیری از این بیماری را به مردم گفتد.
۳. نوشتن: او در کتابش این مطلب را به روشنی می‌گوید.
۴. فاش کردن: هرچه می‌دانی بگو.
۵. نامیدن: بهش می‌گویند «صغر یکدست».
۶. سرودن: مدتی شعر می‌گفت.
۷. نظر دادن: برای من فرقی نمی‌کند، هرچه شما بگویید، من هم موافقم.
۸. دستور دادن: گفتم ببایند کولر را درست کنند.
۹. اعلام کردن: دولت گفته است امسال بنزین را گران نمی‌کنیم.
۱۰. متداوی بودن: می‌گویند صبحانه نمی‌گویند ظهرانه.
۱۱. مساعدت کردن: شانست گفته، این دفعه برندۀ می‌شوی.
۱۲. تصمیم گرفتن: گفتم یک ساعت بخوابم شاید خستگی ام رفع شود.
۱۳. هجی و تلفظ کردن: «Stephanopolise» نام خود را با «ph» می‌گوید.
۱۴. ارتباط غیرکلامی: با نگاهش همه‌چیز را گفت.
۱۵. گزارش دادن: او تلفنی تمام ماجرا را به پلیس گفت.

۱۶. درخواست کردن: به آن‌ها گفتم: لطفاً از خطای من بگذرید.
۱۷. حکایت کردن: بالآخره او داستان غمانگیز مادرش را گفت.
۱۸. پرسش کردن (گفت و گو): مادر گفت: داروهایت را خورده‌ای؟
۱۹. پذیرفتن یا نپذیرفتن: پاسخ درخواست تو را گفت یا نگفت؟
۲۰. فریاد کشیدن: شاکی با صدای بلند گفت: من رضایت نمی‌دهم.
۲۱. کمان کردن (گفت و گو): گفتم لابد حالا می‌آیی؛ ولی هیچ خبری از تو نشد.
۲۲. دعوت کردن (گفت و گو): در مهمنی امشب ما را هم گفته‌اند.
۲۳. پی بردن و فهمیدن (گفت و گو): از حلقهٔ توی انگشتش می‌گوییم که حتماً ازدواج کرده است.
۲۴. ضرب شست نشان دادن و تهدید کردن (گفت و گو): اگر مردی بایست تا بہت بگویم.
۲۵. سرزنش کردن (گفت و گو): مرا بگو که آدم از تو چاره‌جویی کنم.
۲۶. بدیهی بودن (گفت و گو): این حرف گفتن نداشت.
۲۷. تأکید منفی کردن (گفت و گو): تو بگو یکبار از خانه آن‌ها سروصدا بلند شده باشد، نشده است.
۲۸. قضاوت کردن (گفت و گو): انصاف بدء، خودت بگو، آن کار درست بود؟
۲۹. غیرقابل توصیف بودن (گفت و گو): حالی داشتم که نگو!!
۳۰. تعجب کردن (گفت و گو): تماشا کن! این را می‌گویند عکس.
۳۱. بیان ادعای مسلم گوینده (گفت و گو): نگفتم؟
۳۲. بیان بی‌خبری گوینده از امری (گفت و گو): وقتی وارد شدم دیدم همه آنجا جمع بودند، نگو غیر از من همه از موضوع اطلاع داشته‌اند.
۳۳. نسبت دادن صفت برتر برای خوبی و بدی (گفت و گو): دختر نگو، بلا بگو.
۳۴. آنچه فکر و تصور کنی (گفتگو): از این‌ها هرچه بگویی، بر می‌آید.
۳۵. بیش از اندازه تحسین کردن (گفت و گو): یک بابا جون می‌گفت صد تا از دهنش می‌ریخت.
۳۶. آواز خواندن: او با صدایی دلنشین بخش‌هایی از یک شعر محلی را می‌گفت.
۳۷. زمزمه و نجوا کردن: خدا به فریاد مردم برسد جز زن‌ها که زیر لب چیزی می‌گفتند،

همه سرها به پایین انداخته و در این موضوع که چه خواهد شد.

۳۸. شهادت دادن: شاهدان در دادگاه حاضر شدند و اصل ماجرا را گفتند.

۳۹. جروبخت کردن (گفت و گو): شما با هم همکار هستید، این درست نیست که یکی شما

بگویی و دو تا او بگوید.

۴۰. فرق بودن میان این با آن (گفت و گو): آخر یک کوچکتری گفته‌اند یک بزرگتری!

۴۱. آغاز کلام (گفت و گو): می‌گم که می‌دونستی احمد می‌خواهد مهاجرت کنه؟

۴۲. گویی، مثل اینکه (گفت و گو) (قدیمی): چنان حال بدی داشت که گویی الان است جانش

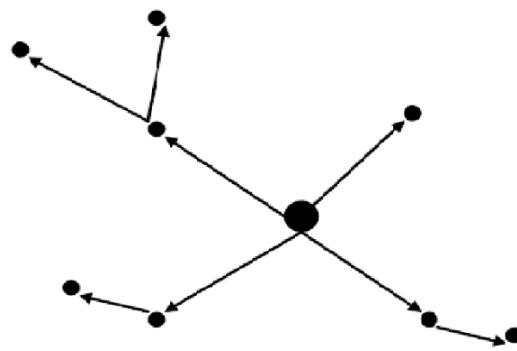
در برود.

۴۳. کسی را گفتن (گفت و گو) (قدیمی): او را گفتم.

۴۴. یادآوری کردن و تذکر دادن: دیروز استاد آخرین مهلت تحويل پروژه‌ها را به دانشجویان گفت.

معانی‌ای که ذکر شد، در «گفت و گوی روزمره» و «رسمی» و در دو مقطع «معاصر» و «قدیمی» کاربرد دارند. همچنین، شاید بتوان گفت در برخی موارد (شماره ۱۹، ۲۲، ۲۹ و ۳۹) نوعی تکرار و ساخت فرمولواره‌ای وجود دارد و در بعضی دیگر (شماره ۱۸ و ۲۰)، معنای فعل بدون در نظر گرفتن واژه‌های دیگر جمله تشخیص‌دادنی نیست؛ اما آنچه در این بین مهم است، چند معنا بودن فعل «گفتن» در زبان فارسی است. در حقیقت، واژگان چندمعنا چنانکه از نامشان بر می‌آید دارای بیش از یک معنا هستند و حول محور معنای اصلی آن‌ها، معنای ثانوی و فرعی دیگری قرار می‌گیرند که انتزاعی‌تر و کمبسامدترند و به اصطلاح در «مفهوم شعاعی»<sup>۷</sup> جای دارند. در مرکز مقوله شعاعی هم معنای مرکزی یا پیش‌نمونه قرار دارد (Taylor & Littlemore, 2015: ۱۳۹۶-۱۰۲). به عبارت دیگر، «مفهوم شعاعی» مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی یا سرنمونی سازمان‌بندی شده‌اند (Evan & Green, 2006: 331). در خصوص مفهوم سرنمونی نیز تیلور (Taylor, 1955: 65) به نقل از لانگاکر (Langacker, 1987: 371) می‌گوید: «سرنمون یا پیش نمونه»<sup>۸</sup> نمونه‌ای از یک مقوله است که سایر عناصر آن مقوله بر اساس شباهتشان به این نمونه اصلی در مقوله فوق قرار می‌گیرند. در «انگاره مقوله شعاعی» واژه‌های چندمعنا مجموعه‌ای از مقوله‌ها را تشکیل می‌دهند که به صورت شعاعی با یکدیگر رابطه دارند

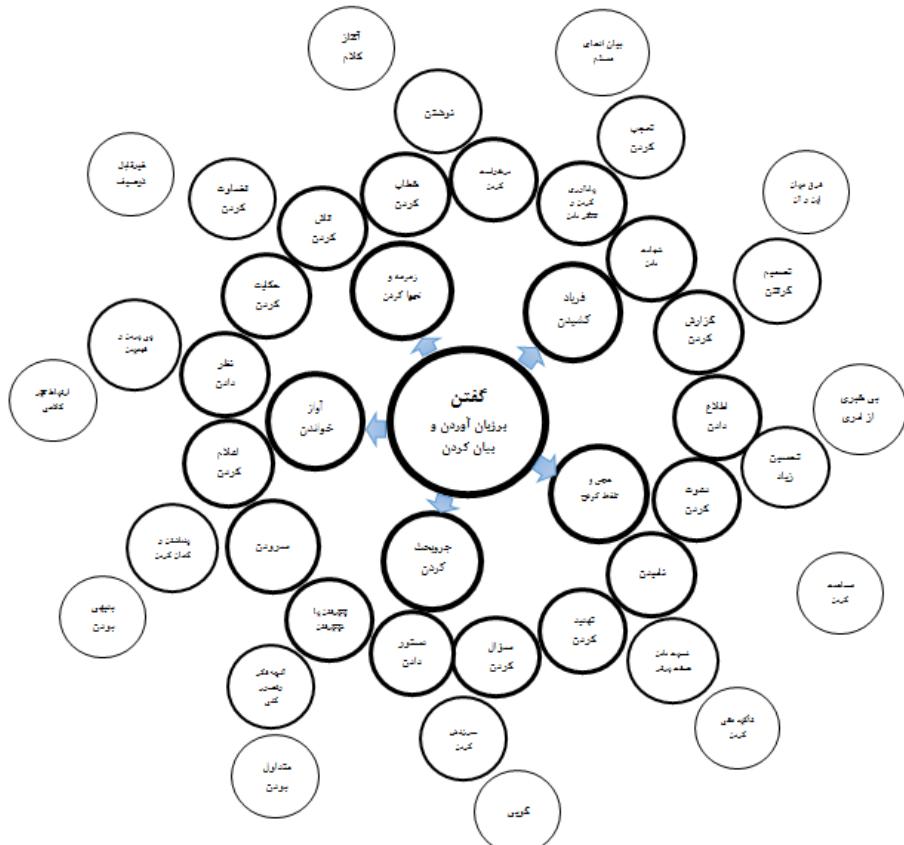
شکل ۱ بیانگر انگاره مذکور است. (Lakoff, 1987; Brugman & Lakoff, 1988)



شکل ۱: انگاره مقولات شعاعی (Evan & Green, 2006: 332)

**Figure 1.** A radiating lattice diagram (semantic network) (Evan & Green, 2006: 332) for modelling radial categories

از سوی دیگر، در مطالعات سنتی و تاریخی زبان فارسی معنای «اصلی» افعال در بردارنده یکی از مفاهیم «انجام دادن یا انجام گرفتن کاری»، «واقع شدن کاری بر کسی یا چیزی»، «پذیرفتن حالتی یا صفتی» و «نسبت دادن صفتی به کسی یا چیزی» است که به صورت مثبت یا منفی بیان می‌شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۱۰). با این توضیحات و با توجه به منابع مورد بررسی<sup>۶۶</sup> شاید بتوان مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» (انجام دادن یا انجام گرفتن کاری) را معنای اصلی و سرنمون فعل «گفتن» در نظر گرفت و انگاره آن را به صورت شکل ۲ ترسیم کرد.



شکل ۲: سرنوشتی فعل «گفتن» در مفهوم «بر زیان آوردن و بیان کردن» نسبت به معانی دیگر

**Figure 2.** The concept of “bar zabân ?âvardan va bayân kardan” (to express) as a prototype of the verb “Goftan” (to tell) toward other meanings

از آنجاکه در این پژوهش تعیین جایگاه معنای سرنمون «گفتن» مدنظر است، در انگاره فوق ارتباط شعاعی معانی به طور دقیق ترسیم نشده است و نگارندگان تنها با تعیین چهار معیار زیر به ترسیم لایه‌ای این معانی، پرداخته‌اند.

١. لایه اول: «بیان صوتی و بدون واسطه» (لایه عینی).

۲. لایه دوم: حد وسط «بیان باواسطه» و «بیان بدون واسطه».

۳. لایه سوم: «بیان باواسطه».

۴. لایه چهارم: کاملاً استعاری و مجازی.

علاوه بر این، از میان ۴ معنای مختلف فعل «گفتن»، افزون بر ۱ معنای سرنمون در مرکز، به ترتیب ۵ معنا در لایه اول، ۱۷ معنا در لایه دوم، ۱۰ معنا در لایه سوم و ۱۱ معنا در لایه چهارم قرار دارند. این معنای به نسبت دور شدن از معنای اصلی در لایه‌های مختلف قرار می‌گیرند و درنهایت، در دورترین لایه، یعنی لایه چهارم «مفهوم استعاری و مجازی» نمایان می‌شوند. از طرفی، در بخش ۳ بیان شد که مدخل‌های واژگانی در ذهن انسان سبب برانگیختن «قالب‌های معنایی» می‌شوند. این قالب‌ها نمایانگر بخش‌هایی از یک رویداد هستند که برای اتصال گروهی از کلمات به مجموعه‌ای از معنای به کار می‌روند. با این تعریف و با توجه به معنای به دست آمده، شاید بتوان قالب‌های معنایی زیر را برای فعل «گفتن» در زبان فارسی در نظر گرفت.

جدول ۴: قالب‌های معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی (بر مبنای منابع این پژوهش)

**Table 4.** Different Semantic frames of the verb “Goftan” (to tell) in Persian (based on the present study)

ردیف	قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی	ردیف
۱	بر زبان آوردن و بیان کردن	۱۶	غیرقابل توصیف بودن	۲۱	فاش کردن	
۲	اعلام کردن	۱۷	فرق بودن میان این و آن	۲۲	گمان کردن	
۳	نامیدن	۱۸	تعجب کردن	۲۳	دعوت کردن	
۴	نوشتن	۱۹	ادعای مسلم داشتن	۲۴	بی بردن و فهمیدن	
۵	هجی و تلفظ کردن	۲۰	از امری بی خبر بودن	۲۵	پذیرفتن یا پذیرفتن	
۶	قضاؤت کردن	۲۱	نسبت دادن صفت برتر	۳۶	درخواست کردن	
۷	تصمیم گرفتن	۲۲	آنچه فکر و تصور کنی	۳۷	آواز خواندن	
۸	تأکید منفی کردن	۲۳	جر و بحث کردن	۳۸	پرسش کردن و پرسیدن	
۹	آغاز کلام	۲۴	گوئی	۳۹	تهدید کردن	
۱۰	ارتباط غیرکلامی	۲۵	زمزمه و نجوا کردن	۴۰	شهادت دادن	
۱۱	بدیهی بودن	۲۶	نظر دادن	۴۱	اطلاع دادن	
۱۲	سرزنش کردن	۲۷	خطاب کردن	۴۲	زیاد تحسین کردن	

قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی	ردیف
یادآوری کردن و تذکر دادن	۴۳	متداول بودن	۲۸	حکایت کردن	۱۳
دستور دادن	۴۴	فریاد کشیدن	۲۹	گزارش دادن	۱۴
۴ قالب معنایی		سرودن	۳۰	مساعدت کردن	۱۵

از میان ۴ قالب جدول ۴، قالب معنایی «بر زبان آوردن و بیان کردن» که حاوی معنای سرنمون است، به عنوان قالب اصلی انتخاب می‌شود. همچنین، برای ترسیم دقیق این قالب (به خصوص بخش واحدهای واژگانی) لازم است با افعال زیرشمول فعل «گفتن» بیشتر آشنا شویم؛ از این رو، علاوه بر فرهنگها و پیکرهایی، چون «فارسنت» به مقاله شاهحسینی (۱۳۹۰) با عنوان «تحلیل گذرای افعال زیرشمول فعل گفتن بر اساس نظریه پیش‌نمونه» استناد می‌کنیم. آن‌گونه که در جدول شماره ۵ آمده است، طبقه‌بندی معنایی و افعال زیرشمول «گفتن» در پایگاه «فارسنت» به صورت زیر است.

جدول ۵: افعال زیرشمول فعل «گفتن» در پایگاه «فارسنت» (Shamsfard et al., 2010)

**Table 5.** The hyponym verbs of the verb “Goftan” (to tell) in “Farsnet” (The Persian (Shamsfard et al., 2010) Wordnet)

گفتن	اطلاع دادن به کسی تا چیزی را بداند	
افشا کردن، روی داریه ریختن، افشاگری کردن، روی دایره ریختن، پرده برداشتن، پرده برگرفتن، آشکارسازی کردن، برملا کردن، برملا ساختن، فاش نمودن، فاش ساختن، فاش کردن، مکثوف کردن، افشا نمودن	علنی کردن و به اطلاع دیگران رساندن راز و مانند آن	افعال گذرا
عرضه داشتن، تقدیم داشتن، تقدیم کردن، تقدیم فرمودن، گفتن، به - عرض [کسی] رساندن، به عرض [کسی] رسانیدن، معروض داشتن، عرض نمودن	به اطلاع دیگران رساندن	
ایراد کردن، اظهار فرمودن، تقریر کردن، اظهار نمودن، شرح کردن، بیان نمودن، ایراد فرمودن، باز گفتن، بیان فرمودن، اظهار کردن، عنوان کردن، بیان کردن، بیان داشتن، فرمودن، عنوان داشتن، گفتن، تقریر نمودن	بر زبان آوردن و با استفاده از کلمات پیامی را رساندن	
دردادن، افشاگری کردن، عرض کردن (دوجهی)	—	افعال ناگذرا

افزون بر افعال بیان شده در پایگاه فارسنت، در تحقیق شاهحسینی (۱۳۹۰) نیز افعال زیر شمول «گفتن» بر حسب گذایی و همچنین، نزدیکی یا دوری‌شان به معنای سرنمون به گروههایی تقسیم شده‌اند که در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶: افعال زیرشمول فعل «گفتن» در زبان فارسی (نقل از شاهحسینی، ۱۳۹۰: ۶۴)

Table 6. The hyponym verbs of the verb “Goftan” (to tell) in Persian  
(Shah hosseini, 2012: 64)

گفتن، اطلاع دادن، خطاب کردن، تهدید کردن، درخواست کردن، پرسیدن، انتقاد کردن، نامیدن، فراخواندن، ستودن، تحسین کردن، اطمینان دادن، سرزنش کردن، صدا کردن، شکایت کردن و اخطار دادن			پیش‌نمونه		گفتگو
پرسش کردن، فریاد زدن، نجوا کردن، من من کردن، بیان کردن، تکرار کردن، تکلم کردن، شهادت دادن، حکایت کردن، ایراد کردن، نقط کردن، بر زبان آوردن، اظهار کردن، زمزمه کردن، فریاد زدن، بحث کردن، اعلام کردن، ابراز کردن و بازگو کردن	الف	غیر	- پیش -		
پذیرفتن، قبول کردن، رد کردن، نپذیرفتن، ستایش کردن، تذکر دادن، ذکر کردن، از بر خواندن، حدس زدن و یادآوردن	ب	نمونه			
گپ زدن، حرف زدن، اعتراض کردن، پای منبر رفتن، بانگ برآوردن، داد کشیدن (استعاری)، چت کردن، توھین کردن، (به) تنهیه اقتادن، اختلاط کردن (غیررسمی)، پرگوئی کردن، غر زدن.	افعال ناکدرا				

اکنون با تعیین حوزه‌ها، قالب‌ها، معنای سرنمون و افعال زیرشمول «گفتن»، در ادامه بحث به ایجاد قالب اصلی این فعل در زبان فارسی خواهیم پرداخت.

##### ۵ - ۲. قالب اصلی فعل «گفتن» در زبان فارسی

در این قسمت با توجه به تعاریف بخش ۳ و منابع ذکر شده در بخش ۴ به ترسیم قالب اصلی فعل «گفتن» با مفهوم سرنمون «به زبان آوردن و بیان کردن» می‌پردازیم. جدول ۷ بیانگر بخش‌های مختلف قالب مذکور است. همچنین، برای درک بهتر یک قالب معنایی و اجزای آن، تمام بخش‌ها بر اساس محتوای جدول ۱ به صورت یکجا ارائه شده‌اند.

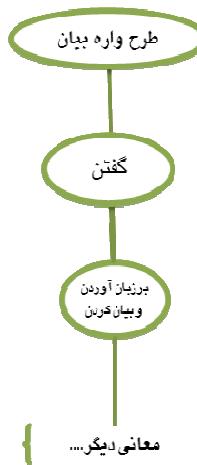
جدول ۷. بخش‌های مختلف قالب اصلی «گفتن» در مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن»

Table 7. The main parts of the verb “Goftan” (to tell) semantic frame in the (to express) concept of “bar zabân ?âvardan va bayân kardan”

بخش	ساختار قالب معنایی
(۱) عنوان قالب	قالب معنایی «گفتن» در زبان فارسی
(۲) تعریف	<p>گوینده‌ای مخاطبی را مورد خطاب قرار می‌دهد تا پیامی را برساند- آوردن کلامی یا حرف و سخنی بهوسیله اندام‌های گفتاری، درباره کسی یا امری حرف زدن، بیان کردن (سخن)- بر زبان آوردن، ذکر کردن (آریان پور)- بر زبان آوردن و با استفاده از کلمات پیامی را رساندن (فارسنت)- بیان کردن (خدای پرستی).</p> <p>- او گفت: چرا سیگار می‌کشی؟ <u>گفتم</u>: به تو چه!</p> <p>- تاهید گفت: نمی‌دانم مهری باز کجا سرش گرم شده است.</p>
(۳) عناصر اصلی	<p>پیام: سخن یا مطلبی که «کنشگر» (گوینده) آن را تولید می‌کند:</p> <p>- اولی به دومی گفت: می‌دانی این هفته اکثر اداره‌ها تعطیل است؟</p> <p>کنشگر: موجودیتی (فرد یا جمع) که «پیام» را تولید می‌کند. نهاد احساسی‌ای است که از زبان به‌شکل گفتاری استفاده می‌کند تا پیام را به کنش پذیر(مخاطب) منتقل کند:</p> <p>- شما بارها به او گفته بودید که کارش اشتباه است.</p> <p>کنش پذیر: موجودیتی که «پیام» را از «کنشگر» دریافت می‌کند:</p> <p>- احمد به مادر <u>مینا</u> گفت: اجازه می‌دهید خودم را معرفی کنم؟</p> <p>موضوع: محتوای اصلی و کلی «پیام» است.</p> <p>- او علت جدایی نادر از همسرش را به ما گفت.</p> <p>واسطه: آنچه «پیام» از طریق آن منتقل می‌شود.</p> <p>- رهبر پیامشان را از طریق رادیو به مردم گفتند.</p>
وعناصر فرعی	<p>تکرار: بیانگر تعداد دفعاتی است که یک رویداد یا وضعیت بروقرار است:</p> <p>- آن‌ها سه بار <u>غیرمستقیم</u> پاسخ‌شان را گفته‌اند.</p> <p>توصیف‌کننده: ویژگی رویداد «گفتن» است:</p> <p>- مجرم به صراحت ماجراه قتل را گفت.</p> <p>چگونگی: بیان‌کننده چگونگی انتقال «پیام» از سوی «کنشگر» است:</p> <p>- مریم <u>گریه‌کننده</u> داستان را به دوستش گفت.</p> <p>شیوه یا روش: روشی که «کنشگر» برای انتقال «پیام» به «کنش پذیر» به کار می‌برد.</p> <p>- او همه درخواست‌هایش را شفاهی به رئیس سازمان می‌گوید.</p>

بخش	ساختار قالب معنایی
	<p>زمان: مقطع زمانی‌ای که در آن «کنشگر»، «کنش پذیر» را از وجود «پیام» آگاه می‌سازد. زمانی که پیام ساخته می‌شود:</p> <p>هفتة گذشته علی ماجرا بیماریش را به من گفت.</p> <p>مکان: محلی که در آن «کنشگر»، «کنش پذیر» را از وجود «پیام» مطلع می‌سازد. محلی را که انتقال پیام در آن رخ می‌دهد:</p> <p>دانشجویان در کلاس موضوع پایان‌نامه‌شان را به استاد گفتند.</p> <p>موضوع معرفت‌شناسنامه: محدوده‌ای که در آن «پیام» صادق بوده و یا کاربرد دارد (وابسته به بافت موضوعی یا زبانی):</p> <p>گفتم غم توبارم گفتا غمت سر آید (مناظره بین دو نفر)</p>
(۴) واحدهای واژگانی	<p>بیان کردن، بر زبان آوردن، حرف زدن، تکلم کردن، نطق کردن، اظهار کردن، ایراد کردن، حکایت کردن، ذکر کردن، اظهار فرمودن، تقریر کردن، اظهار کردن، بیان کردن، شرح کردن، ایراد فرمودن، بیان فرمودن، بازگفتن، بیان داشتن، فرمودن، عنوان کردن، عنوان داشتن، تقریر کردن، ارائه کردن، گپ زدن، اختلاط کردن، پرگویی کردن، عرض کردن، تکرار کردن، چت کردن، بهعرض [کسی] رساندن، بهعرض [کسی] رسانیدن، معروض داشتن، عرض کردن، عرضه داشتن، بازگو کردن، بر زبان راندن، اظهار داشتن، اقرار کردن، صحبت کردن، گفت و گو کردن، دردادن، معروض داشتن، نقل کردن، زرزر کردن، بحث کردن، ورور کردن، ابراز کردن، ابراز نمودن، سخن گفتن.</p>
(۵) متون نشانه‌گذاری شده	<p>• آیدین آغداشلو [کنشگر- گروه اسمی] در تالار فردوسی جهاد دانشگاهی مشهد [مکان - گروه حرفاًضافه‌ای - وابسته] گفت [ فعل کنشی - مطابقت با فاعل].</p> <p>• خدا [کنشگر - گروه اسمی] به شیطان [کنش پذیر - گروه حرفاًضافه‌ای - وابسته] گفت: [ فعل کنشی - مطابقت با فاعل] انسان را سجدۀ کن [پیام - وابسته - جمله نقل قول].</p> <p>• او [ کنشگر - گروه اسمی] موضوع را [پیام - وابسته] به خبرنگار ما [کنش پذیر - گروه حرفاًضافه‌ای - وابسته] گفت [ فعل کنشی - مطابقت با فاعل].</p> <p>• سخنگوی سازمان مرکزی [کنشگر - گروه اسمی] [کنش پذیر مذکوف] گفت [ فعل کنشی - مطابقت با فاعل]: برخی نکات مهم است [پیام - وابسته - جمله نقل قول].</p> <p>• معاون امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور [کنشگر - گروه اسمی] گفت: [ فعل کنشی] درصد اعضای شوراهای بومی هستند [پیام - وابسته].</p>

در جدول شماره ۷ پس از بیان «عنوان قالب معنایی»، بخش‌های «تعریف» و «عناصر اصلی و فرعی» به‌همراه مثال و با استناد به منابع این پژوهش، شمّ زبانی گویشور فارسی و از طریق بررسی قالب‌های معادل در فرم‌شناسی انگلیسی تکمیل شده‌اند. به علاوه، ۵۰ نمونه از افعال زیرشمول «گفتن» که دربردارنده مفهوم سرنمون این فعل هستند به عنوان «واحدهای واژگانی» انتخاب شده‌اند. همچنین، به‌دلیل محدود بودن پژوهش تنها پنج جمله در بخش «متون نشانه‌گذاری شده»، نشانه‌گذاری نحوی و معنایی شده‌اند. در نهایت، از تطابق قالب فوق با قالب‌های معادل در فرم‌شناسی انگلیسی، تنها یک رابطه میان قالبی به نام «وراثت» شناسایی شده است. این رابطه قوی‌ترین رابطه میان قالب‌های است و در آن هر آنچه به لحاظ معناشناسی در مورد قالب والد حقیقت داشته باشد، با حقیقتی (هرچند خاص‌تر) در مورد قالب فرزند نیز تطابق دارد. بنابراین، به‌نظر می‌رسد می‌توان فعل «گفتن» را به عنوان فرزند «طرح‌واره بیان» در نظر گرفت و رابطه سلسله مراتبی زیر را برای آن ترسیم کرد.



شکل ۳: رابطه سلسله مراتبی قالب اصلی «گفتن» در مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن»  
(از بالا به پایین)

**Figure 3.** The hierarchical relation of the main semantic frame of the verb “Goftan”  
(to express) (to tell) in the concept of “bar zabân ?âvardan va bayân kardan”

## ۶ نتیجه

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، پژوهش حاضر سعی دارد در چارچوب نظریه شناختی فیلمور (1982) و سامانه فریمنت به تحلیل معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی پردازد و حوزه‌ها و قالب‌های معنایی آن را تعیین و در نهایت، قالب اصلی این فعل را ترسیم کند. در این راستا، با بهره‌گیری از برخی فرهنگ‌ها مانند فرهنگ فشرده سخن (انوری، ۱۳۸۸)، آریان‌پور (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع واژگان و مترادف و متضاد زبان فارسی (خدایپستی، ۱۳۷۶) و پیکرهای معاصر فارسی از جمله «پایگاه داده‌های زبان فارسی» (عاصی، ۱۳۸۴)، پایگاه «فارسنت» (Shamsfard et al., 2010) و «سایت مرجع دادگان» (Rasooli et al., 2011) ۴۴ معنای مختلف فعل «گفتن» که در حیطه «گفت‌وگوی روزمره» و «رسمی» و در دو مقطع «معاصر» و «قدیمی» کاربرد داشتند، جمع‌آوری شد. سپس، آن‌گونه که در بخش ۱-۵ بیان شد، بررسی این معنای بیانگر آن بود که در برخی موارد نوعی تکرار و ساخت فرمول‌وارهای وجود دارد و در بعضی دیگر، تعیین معنای فعل تنها در بافت جمله امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، با توجه به منابعی که ذکر شد و بررسی مطالعات تاریخی (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۵؛ نیز استفاده از شمّ زبانی گویشور فارسی مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» به عنوان معنای اصلی و سرنمون این فعل در نظر گرفته شد. اما یکی از دستاوردهای مهم شناختی این مقاله که با پژوهش‌های دیگر متفاوت است، مربوط به ترسیم انگاره شعاعی فعل «گفتن» از طریق مقایسه معنای مختلف آن است. به این منظور، رابطه معنای سرنمون این فعل با دیگر معنای از طریق «انگاره مقولات شعاعی» و با استناد به چهار معیار «بیان صوتی و بدون واسطه» (لایه عینی)، حد وسط «بیان بدون واسطه» و «بیان با واسطه»، «بیان با واسطه» و «کاملاً استعاری و مجازی» (معیارهای تعیین شده از سوی نگارندها) مشخص شد. لایه‌های بدست آمده در شکل ۲ شامل ۱ معنای سرنمون در مرکز، ۵ معنای در لایه اول، ۱۷ معنای در لایه دوم، ۱۰ معنای در لایه سوم و ۱۱ معنای در لایه چهارم بود. این معنای به نسبت دور شدن از معنای سرنمون، در لایه‌های مختلف قرار گرفتند و در دورترین لایه، یعنی لایه چهارم «مفاهیم استعاری و مجازی» نمایان شد. به علاوه، بررسی مفاهیم مختلف «گفتن» حاکی از وجود پدیده چندمعنایی در این فعل بود؛ از این رو، با توجه به راهکار شناختی فیلمور، یعنی نظریه قالبی و سامانه فریمنت ۴ قالب معنایی برای این فعل شناسایی شد. در پایان، قالب اصلی «گفتن» با معنای سرنمون «بر زبان



آوردن و بیان کردن» ایجاد و بخش‌های مختلف این قالب از سوی فرهنگ‌ها و پیکرهای منتخب در این پژوهش تکمیل شد. افعال زیرشمول «گفتن» نیز با استناد به مقاله شاهحسینی (۱۳۹۰) و منابع دیگر مشخص شد. همچنین، یک رابطه میان قالبی بهنام «وراثت» شناسایی و نمودار سلسله مراتبی آن ترسیم شد. در آخر، می‌توان گفت کار روی قالب‌های دیگر فعل «گفتن» و نیز افعال و واژه‌های مختلف زبان فارسی و ارتقای داده‌ها برای شکل‌گیری «فریمنت فارسی» از پژوهش‌های مفید پیش‌روست.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. encyclopedic meaning
2. Frame Semantics Theory
3. C. J. Fillmore
4. در «نظریه قلمروها یا حوزه‌ها» (Domains theory) لانگاکر (1987) معنا دایرۀ المعارفی است و مفاهیم مستقل از ساختارهای بزرگتر دانش درک نمی‌شوند. لانگاکر این ساختارهای دانش را «قلمرو» می‌نامد. قلمروها ضرورتاً مفاهیمی شناختی‌اند: تجربیات ذهنی، فضاهای بازنمایی و یا گره‌های مفهومی (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۷۷).
5. R. Langacker
6. dictionary meaning
7. Semantic Frame
8. Lexical Semantics
9. Case theory
10. <https://framenet.icsi.berkeley.edu/fndrupal/>
11. Natural Language Processing(NLP)
12. polysemy
13. <http://search.dadegan.ir>
14. Event structure
15. Inheritance structure
16. Qualia structure
17. F. R. Palmer
18. G. Lakoff & M. Johnson
19. G. Fauconnier
20. J.R. Taylor
21. Blank
22. <https://www.laits.utexas.edu/gframenet/people.html>
23. H. C. Boas
24. <http://sfn.uab.es:8080/SFN/>

25. Subirats & Petrucc  
26. <http://spraakbanken.gu.se/eng/swefn>  
27. Borin et al.  
28. <http://jfns.hc.keio.ac.jp/>  
29. Ohara et al.  
30. <http://sccfn.sxu.edu.cn/portal-en/home.aspx>  
31. You et al.  
32. <http://www.ufjf.br/framenetbr/>  
33. <http://framenet.kaist.ac.kr/framenet>
۳۴. بر مبنای این نظریه، پیش‌نمونه عضو کانونی و بارز هر مقوله است و سایر اعضاء براساس شباهتشان با این عضو تعریف می‌شوند.
۳۵. «گذرایی» یکی از پدیده‌های پیچیده در زبان‌هاست که باید در قالب مؤلفه‌های نحوی و معنایی بررسی شود. از لحاظ معنایی هر پدیده‌ی گذرا باید شامل یک «عامل یا کشگر» صاحب اختیار باشد. گیون (2001) از لحاظ نحوی ساختهای گذرا را تعریف می‌کند و بر این باور است که هر بند یا جمله‌ای که در آن مفعول مستقیم حضور یابد، الزاماً ساختی گذراست و در غیر این صورت سایر ساختهای ناگذرا به شمار می‌آیند (نقل از شاه‌حسینی، ۱۳۹۰: ۶۰).
36. Conceptual system  
37. Semantic Roles  
38. Situational Roles  
39. Schema  
40. Script  
41. Scenario  
42. Ideational Scaffolding  
43. Cognitive model  
44. folk theory  
45. Ruppenhofer et al.  
46. Conceptual structure  
47. Definition  
48. Core & Non-Core Elements  
49. Lexical Units  
50. Annotated Texts  
51. Frame- to-frame Relations  
52. child frame  
53. parent frame  
54. Inheritance  
55. Subframe  
56. Causative of  
57. Inchoative of  
58. Using

59. Super frame  
60. <http://pldb.iacs.ac.ir/>  
61. <http://farsnet.nlp.sbu.ac.ir/Site3/Modules/Public/Default.jsp>
۶۲. از دیدگاه انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۵: ۲۱ - ۱۶) ساختمان افعال در زبان فارسی به دسته‌هایی، چون ساده، پیشوندی، مرکب، پیشوندی مرکب، عبارت‌های فعلی و فعل‌های ناگذر یک شخصه قابل تقسیم است. «افعال ساده» نیز افعالی هستند که بن مضارع آن‌ها یک تکواز است؛ به بیان دیگر، مصدر آن بیش از یک کلمه نیست؛ یعنی تنها از بن ماضی و (-ن) که نشانه مصدر است ساخته شده‌اند. همچنین، آن‌ها ساخت افعال ساده فارسی را در قالب هشت گروه معرفی کرده‌اند. در این میان، فعل «گفتن» از جمله افعال ساده و استثنای گروه هشتم (افعالی هستند که مصدر آن‌ها به (-فتن) ختم می‌شود) است که در کنار افعالی، چون «رقن، سفتن، گرفتن و نهفتن» قرار می‌گیرد.
63. prototype  
64. radial category

## ۸ منابع

- آریانپور کاشانی، منوچهر و سید مصطفی عاصی (۱۳۹۱). *فرهنگ جامع پیشرو آریان پور - فارسی به انگلیسی (چهارجلدی)*. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه.
- آفگلزاده، فردوس (۱۳۸۲). «نگاهی به تفکر و زبان». *تازه‌های علوم شناختی*. س. ۵. ش. ۱. صص ۵۷ - ۶۴.
- اجدادی، مژگان و محمدرضا رضوی (۱۳۹۵). «بررسی قالب‌های معنایی اندام و ازدهای بیرونی زبان فارسی». *زبان پژوهی*. در دست چاپ.
- افراشی، آزیتا (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی (۱) و (۲)*. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
- انوری، حسن (۱۳۸۸). *فرهنگ فشرده سخن*. جلد ۲. تهران: سخن.
- تیلور، جان. آر و جانت لیتل مور (۱۳۹۶). *راهنمای زبان‌شناسی شناختی*. ترجمه و جیهه فرشی و نجمه فرشی (ویراستار علمی: آزیتا افراشی). تهران: نویسه فارسی.

- حسابی، اکبر (۱۳۹۵). «قالب‌های معنایی «خوردن» از منظر معناشناسی قالبی». *زبان و زبان‌شناسی*. س. ۱۱. ش. ۲۲. صص ۱-۲۶.
- خاوری، نجمه (۱۳۹۲). *توصیف و طبقه‌بندی افعال فارسی بر اساس رویکرد پژوهش فریمینت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بولی سینما همدان.
- خدابرستی، فرج‌الله (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*. شیراز: دانش‌نامه فارس.
- خرازی، سید کمال (۱۳۹۶). *واژه‌نامه علوم شناختی (انگلیسی - فارسی)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم)*. ج. ۵. تهران: سمت.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۹۲). «معناشناسی و گنجوازه زبان فارسی (۲)». *مجله فرهنگ-نویسی*. ش. ۵ و ۶. صص ۴۴-۶۵.
- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. ج. ۲. تهران: رامین.
- دلارامی‌فر، منصوره و همکاران (۱۳۹۶). «روابط معنایی فعل «گرفتن» در زبان فارسی: رویکرد معنی‌شناسی قالب بنیاد فیلمور». *پژوهش‌های زبانی*. س. ۸. ش. ۱. صص ۷۹-۹۸.
- شاهحسینی، فائقه (۱۳۹۰). «تحلیل گذاری افعال «زیرشمول فعل گفتن» بر اساس نظریه پیش‌نمونه». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. س. ۱. ش. ۲. صص ۵۷-۶۶.
- صفری، علی (۱۳۹۴). «معناشناسی زمینه و تناوب فعل‌های مرکب در زبان فارسی». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. س. ۶. ش. ۱ (۲۲). صص ۱۵۳-۱۷۲.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- عاصی، سید مصطفی (۱۳۷۵). «گزارشی از ششمین کنفرانس بین‌المللی انجمن فرهنگ‌نگاری اروپا». *فرهنگ ویژه زبان‌شناسی*. ش. ۱۷. صص ۳۹۱-۴۰۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «پایگاه داده‌های زبان فارسی در اینترنت». *خبرنامه پژوهشگران*. ش. ۲.
- فیاضی، مریم سادات (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل پدیده چندمعنایی در زبان فارسی از منظر معناشناسی شناختی*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

- گندمکار، راحله (۱۳۹۳). «تحلیل معنایی واژگان زبان فارسی بر مبنای رویکرد معنی‌شناسی قالب بنیاد». *علم زبان*. س. ۲. ش. ۲. صص ۱۱۷ - ۱۴۲.
- مادر شاهین، سارا (۱۳۹۴). «حذف فعل از منظر معنی‌شناسی شناختی». *زبان پژوهی*. س. ۷. ش. ۱۶. صص ۱۰۱ - ۱۳۲.
- متولیان نائینی، رضوان (۱۳۹۵). «گامی به سوی تدوین واژه‌نامه تقابلی ظرفیت افعال فارسی، انگلیسی». *پژوهش‌های زبان‌شنা�ختی در زبان‌های خارجی*. س. ۶. ش. ۲. صص ۴۷۵ - ۴۴۹.
- موسوی، سید حمزه و همکاران (۱۳۹۳). «بررسی واژه «دیدن» بر اساس معناشناسی قالبی». *جستارهای زبانی*. س. ۶. ش. ۷. صص ۲۱۹ - ۲۳۶.
- موسوی، سید حمزه (۱۳۹۶). «راهاندازی شبکه همنت: شبکه‌ای برای تبیین باهمایی واژگانی». *جستارهای زبانی*. س. ۸. ش. ۲(۳۷). صص ۱۹۷ - ۲۲۳.
- نایب لوئی، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی واژه‌های عواطف در حوزه‌های شادی و علاقه در چارچوب نظری قالب‌های معنایی: شبکه قالب بنیاد (فریمنت) در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نایب لوئی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۴). «شبکه معنایی قالب بنیاد (فریمنت) در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. س. ۵. ش. ۹. صص ۲۶۱ - ۲۸۲.

### References:

- Afrashi, A. (2016). *An Introduction of Cognitive Semantics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Agha Golzadeh, F. (2003). “Thinking and language: an overview”. *Journal of Advances in Cognitive Science*. Vol.5. No.1. Pp. 57-64. [In Persian]
- Ajdadi, M. & M.R. Razavi, (2018), “The study of semantic frames of external body part terms in Persian language”. *Journal of Language Research (ZABANPAZHUI)*. Vol.10. No.29. Pp. 27-44. [In Persian]
- Anvari, H. & H. Ahmadi Givi, (2006), *Grammar of the Persian (1) & (2)*. Tehran: Fatemi Publications. [In Persian]

- Anvari, H. (2009). *Sokhan Comprehensive Dictionary*. Vol.1. Tehran: Sokhan Publications. [In Persian].
- Aryanpur Kashani, M. & S. M. Assi, (2010), *The Aryanpur Progressive Persian-English Dictionary, Four Volumes Comprehensive*. Tehran: Computer World Co. [In Persian]
- Assi, S.M. (1996). "A Report of 6<sup>th</sup> International Conference on European Lexicography Association". *Culture Journal ( linguistics)*. No.17. Pp. 391-400. [In Persian]
- Assi, S.M. (1997). "Farsi Linguistic Database (FLDB)". *The International Journal of Lexicography*. Vol.10. No.3. Pp.6. Oxford University Press.
- Assi, S.M. (2005). "Persian Linguistic Database (PLDB) in Internet". *Researches*. No.2. [In Persian]
- Blank, A. (2003). "Polysemy in Lexicon and in Discourse". In B. Nerlich. (Eds.). *Polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language*. Berlin & New York. Mouton de gruyter. Pp.267-296.
- Boas, H.C. (2002d). *Bilingual FrameNet Dictionaries For Machine Translation*. Department of Germanic Studies. University of Texas at Austin.
- Borin, L., & et al. (2010). "The past meets the present in the Swedish FrameNet++".
- Delaramifar, M. & et al. (2017). "Semantics relations of Persian Verb "gereftan": Filmore's frame semantics (1997)". *Journal of Language Researches*. Vol.8. No.1. Pp.79-98. [In Persian]
- Givón, T. (2001). *Syntax.(Vol.1,2)*. John Benjamins. Amesterdam.
- Evans, V. & M. Green, (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University press.
- Fayyazi, M.S. (2009). *Looking into the Notion of Polysemy in Persian: A Cognitive Approach*. PhD. thesis. Tarbiat Modares University (TMU).Tehran. [In Persian]

- Fauconnier, G. (1985). *Mental Spaces: Aspects of Meaning Construction in Natural Language*. Cambridge. Cambridge University press.
- Fillmore, C. J. (1968). "The Case for Case". In E. Bach, & R. T. Harms (Eds.). *Universals in linguistic theory*. Pp. 1-88. New York. Holt Rinehart & Winston.
- \_\_\_\_\_ (1976). "Frame Semantics and the Nature of Language". In *Annals of the New York Academy of Sciences: Conference on the Origin and Development of Language and Speech*. Vol. 280. Pp. 20–32.
- \_\_\_\_\_ (1982b). "Frame semantics". In *the linguistic society of Korea*. (Eds.). Linguistics in the Morning Calm. Seoul. Hanshin. Pp.37-111.
- Fillmore, C.J. & B.T.S. Atkins, (1992). "Toward a Frame-Based Lexicon: The Semantics of RISK and its Neighbors". In Lehrer, A., & E. Kittay. (Eds.). *Frames, fields and contrasts: New Essays in Semantic and Lexical Organization*. Hillsdale. Erlbaum.
- Fillmore, C.J. & B.T.S. Atkins, (1994), "Starting where the Dictionaries Stop: The challenge for computational lexicography". In Atkins, B.T.S., & A. Zampolli. (Eds.). *Computational approaches to the lexicon*. Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ (2000). *Describing polysemy: The case of 'crawl'*. Ravin, Y., and C. Laecock. (Eds.). Polysemy. Oxford University Press.
- Fillmore, C. J. & C. Baker, (2010), "A Frames Approach to Semantic Analysis". In B. Heine & H. Narrog. (Eds.). *The Oxford Handbook of Linguistic Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Gandomkar, R. (2015). "Semantic analysis of Persian words based on format-based semantics". *Language Science*.Vol.2. No.2. Pp. 117-142. [In Persian]
- Greeraerts, D. (2010). *Theories of Lexical Semantics*. Oxford University Press.
- Ghayoomi, M. (2009). *Frame Assignment with Active Learning*. M.S. Thesis. Department of Computational Linguistics and Phonetics. Saarland University.

- Haji Ghasemi, F. (2017). "The semantic frames of the verb "Ra'a" (beholding) on the Holy Koran and the Persian Formats (Based on Charles Fillmore's the Semantic Meaning Theory)". *Translation Studies of Quran and Hadith*. Vol.3. No.6. Pp. 57-83. [In Persian]
- Kharrazi, S. K. (1997). *A Dictionary of Cognitive Science, English- Persian*. Tehran: Farhang Moaser Publications. [In Persian].
- Khavari, N. (2013). *The Description and Classification of Persian Verbs on the Basis of FrameNet's Approach*. M.A. thesis. Department of General Linguistics. BU-Ali Sina University. Hamedan. [In Persian]
- Khodaparasti, F. (1997). *A Comprehensive Dictionary Persian synonyms & antonyms*. Shiraz: Fars Publications. [In Persian]
- Lakeoff, G. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago. Chicag University Press.
- Langacker, R.(1987). *Foundations of Cognitive Grammar. (vol.1)*.Stanford, CA. Stanford University Press.
- Lieber, R. (2004). *Morphology and Lexical Semantics*. Cambridge. Cambridge University Press.
- Madarshahiyan, S. (2015)."Role of topic shift and violence of Grice principles in interrogation": Forensic Linguistics. *Journal of Language Research (ZABANPAZHUI)*. Vol.7. No.16. Pp. 101-132. [In Persian].
- Motavallian Naeini, R. (2017). "Toward developing Persian- english verb valency dictionary". *Foreign Language Research Journal*. Vol.6. No.2. Pp. 449-475. [In Persian].
- Mousavi, S.H.; M. Amoozadeh & V. Rezaei, (2016). "Analysis of the word 'Didan' based on frame semantics". *Language Related Research*. Vol.6. No.7. Pp. 219-236. [In Persian].
- Mousavi, S.H. (2017). "ColloNet: a network for analyzing collocations". *Language Related Research*.Vol.8. No.2. Pp. 197-223. [In Persian].

- Nayeblui, F. (2014). *Emotion Words (Happiness & Love) in Farsi: Persian FrameNet (FrameNet. ir)*.MA. Thesis. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Nayeblui, F., Assi, S.M., & Afrashi, A. (2015). "FrameNet in Persian". *Journal of Comparative Linguistic Researches*. Vol.5. No.9. Pp. 261-282. [In Persian]
- Ohara, K., & et al. (2004). "The Japanese FrameNet project: An introduction". *Proceedings of the Workshop on Building Lexical Resources from Semantically Annotated Corpora*. Eds. Charles J. Fillmore, et al. Lisbon: LREC 2004.Pp. 9-12.
- Palmer, F.R. (1976). *Semantics, A New Outline*. Cambridge. Cambridge University Press.
- Pustejovsky, J. (1995). *The Generative Lexicon*. Cambridge. MIT.
- Rasekhmahand, M. (2015). *An Introduction to Cognitive Linguistics (Theories and Concepts)*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Rasooli, M.S., et al. (2011). "A Syntactic Valency Lexicon for Persian Verbs: The first steps towards Persian Dependency Treebank". *5<sup>th</sup> Language & Technology Conference (LTC): Human Language Technologies as a Challenge for Computer Science and Linguistics*. Pp. 227-231. Poznan. Poland.
- Razavi, M. (2013). "Semantics and thesaurus in Persian language (2)". *Lexicography Journal*. No.5, 6. Pp. 44-65. [In Persian]
- Roshan, B. & L. Ardebili, (2016), *An Introduction to Cognitive Semantics*. Tehran: Ramin. [In Persian]
- Ruppenhofer, J. & et al. (2016). *FrameNet II: extended theory and practice*.
- Safari, A. (2015). "Frame semantics and LVC alternation in Persian". *Language Related Research*. Vol.6. No.1. Pp. 153-172. [In Persian]
- Safari, A. & L. Rahmati Nejad, (2018), "Frame semantics: applying frameNet principles to (Touring) and (Travel) semantic frames in Persian". *Biannual Journal of Applications of Language Studies*. No .1(1). Pp. 59-76.

- Safavi, K. (2008). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
- Shah hosseini, F. (2012). “Prototypical transitivity in speech verbs”. *Journal of Comparative Linguistic Researches*. Vol.1. No.2. Pp. 57-66. [In Persian]
- Shamsfard, M., et al. (2010). “Semi Automatic Development Of FarsNet: The Persian Wordnet”. Computer Engineering. Dept. Shahid Beheshti University. Tehran. Iran.
- Subirats-Rüggeberg, C., & M. R. L. Petrucci, (2003), “Surprise: Spanish FrameNet!”. *Proceedings of the Workshop on {Frame} {Semantics}” XVII International Congress of Linguists {(CIL)}*. Eds. {Eva Hajičová, Anna Kotěšovcová, and Jiří Mirovský}. Prague: Matfyzpress.
- Taylor, J.R. (1995). *Linguistics Categorization: Prototypes in Linguistic Theory*. 2<sup>nd</sup> (Eds.). Oxford. Clarendon Press.
- Taylor, J.R. (2003). “Cognitive Models of Polysemy”. In B. Nerlich & Z. Todd. (Eds.). *Polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language*. Berlin & New York. Mouton de gruyter. Pp. 31-49.
- Taylor, J.R. & J. Littlemore, (2017), *The Bloomsbury Companion to Cognitive Linguistics*. Translated by Vajihe Farshi & Najmeh Farshi. Edited by Azita Afrashi. Tehran. Neveeseh Parsi publications. [In Persian]
- You, L., L. Tao & L. Kaiying, (2007), “Chinese FrameNet and OWL Representation”. *6<sup>th</sup> International Conference on Advanced Language Processing and Web Information Technology (ALPIT 2007)*.Pp. 140-145.